



فهرست مطالب

هل يتبع القضاء للاداء ام لا؟.....	۲
قاعده اوليه: عدم دلالت امر اول بر قضا.....	۲
تفصيل صاحب كفايه در محل بحث.....	۲
صور قيد وقت در واجب موقت.....	۲
صور اول: مقيد متصل بودن قيد وقت.....	۲
صور دوم: مقيد منفصل داراي اطلاق.....	۳
صور سوم: مقيد منفصل و دليل اصلي غير مطلق.....	۳
حكم سه صور اول: عدم تبعيت قضا از امر به ادا.....	۳
صور چهارم: دليل اصلي مطلق و مقيد منفصل غير مطلق.....	۳
صور پنجم: مقيد متصل به نحو تعدد مطلوب.....	۳
حكم صور چهار و پنج: تبعيت قضا از امر به ادا.....	۴
اشكال: عدم متصور بودن صور پنجم.....	۴
رد اشكال: صحت عرفي تصور صور پنجم.....	۴
معقول بودن صور چهارم.....	۵



بسم الله الرحمن الرحيم

هل يتبع القضاء للاداء ام لا؟

بحث سومی که در ذیل تقسیم واجب به موقت و غیرموقت آمده است این است که هل يتبع القضاء للاداء ام لا؟ اصل این مطلب که در شرع مقدس قضا وجود دارد، مسلم می‌باشد اما مقصود از این بحث این است که اگر واجبی به نحو موقت جعل شود و پس از تمام شدن وقت، آن واجب اتیان نشود، آیا همان امر اول مقتضی قضا می‌باشد و یا اینکه ثبوت قضا نیازمند امر جدید می‌باشد؟

قاعده اولیه: عدم دلالت امر اول بر قضا

قاعده اولیه در مقام این است که وقتی امری با همه شرایط و قیود آن تعیین پیدا کرد، آن امر با انتفاء یکی از آن قیود و شرایط، منتفی می‌شود و به عبارتی، مرکب ینتفی بانتفاء احد اجزاء و در محل بحث هم وقتی وقت که یکی از اجزا و قیود تکلیف می‌باشد به اتمام رسید، در ماورای آن زمان و وقت دیگر تکلیفی وجود ندارد.

تفصیل صاحب کفایه در محل بحث

به خلاف قاعده اولیه صاحب کفایه در مورد تبعیت قضا از امر به ادا و یا عدم آن قائل به تفصیل شده‌اند.

صور قید وقت در واجب موقت

ایشان حالت قید وقت در واجب موقت را به چند صورت تقسیم می‌کنند و حکم هر صورت نسبت به تبعیت و یا عدم تبعیت قضا از امر به ادا بیان می‌کنند.

صورت اول: مقید متصل بودن قید وقت

صورت اول این است که قید وقت به صورت مقید متصل در دلیل آمده باشد و دلیل از همان ابتدا به صورت مقید آمده باشد. صورت اول نیز به دو شکل می‌باشد گاهی به صورت قید لفظی در دلیل می‌باشد مانند «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ» / سر/ ۷۸ و گاهی نیز به شکل قید لبی مانند حکم عقلی مسلم و قوی، می‌باشد که در حکم قید متصل می‌باشد.



صورت دوم: مقید منفصل دارای اطلاق

صورت دوم این است که قید وقت به صورت منفصل آمده باشد مثلاً در دلیلی حکم وجوب نماز آمده است و در دلیل منفصل دیگری وقت آن مشخص شده باشد اما هرچند این دلیل منفصل است اما این دلیل منفصل با لحن عموم و یا اطلاق، دلیل اول را مقید کرده است.

صورت سوم: مقید منفصل و دلیل اصلی غیر مطلق

صورت سوم این است که قید وقت به صورت قید منفصل آمده باشد و دلیل اصلی را قید زده باشد اما این دلیل منفصل و خود دلیل اصلی دارای اطلاقی که در ماورای قید وقت اثر داشته باشد، نمی باشند.

حکم سه صورت اول: عدم تبعیت قضا از امر به ادا

صاحب کفایه در مورد سه صورت اول می فرماید که امر به ادا دلالتی بر لزوم قضا ندارد و تنها بر لزوم عمل به تکلیف در زمان مذکور در دلیل، دلالت دارد و قضا نیاز به امر جدید دارد.

صورت چهارم: دلیل اصلی مطلق و مقید منفصل غیر مطلق

صورت چهارم این است که مقید منفصل اطلاق ندارد اما دلیل اصلی که حکم در آن آمده است مثلاً دلیلی که امر به اقامه نماز یا انجام اعمال حج کرده است فی حد نفسه دارای اطلاق می باشد.

صورت پنجم: مقید متصل به نحو تعدد مطلوب

صورت پنجم از صور قید وقت این است که قید وقت به طور منفصل آمده باشد اما این قید به عنوان یک ملاک مستقل مورد تأکید می باشد و حالت تعدد مطلوب دارد یعنی ظهور دلیل مقید در این است که علاوه بر ملاک تامی که در خود فعل به طور مستقل می باشد، در قید زمان و انجام فعل در آن زمان هم ملاک مستقلی به نحو تعدد مطلوب وجود دارد که هر دو هم در حد الزام می باشد. این صورت در مستحبات مصادیق زیادی دارد.



حکم صورت چهار و پنج: تبعیت قضا از امر به ادا

حکم صورت چهارم و پنجم در کلام صاحب کفایه به خصوص صورت پنجم از آنجاکه دلیل اصلی دارای اطلاق و مشتمل بر مصلحت ملزمه می باشد به ویژه در صورت پنجم قید زمان به نحو تعدد مطلوب می باشد، این است که قضا نیاز به امر جدید ندارد و همان دلیل اول بر لزوم قضا و انجام تکلیف در خارج از وقت دلالت دارد. این بیان مرحوم آخوند می باشد که معمولاً تلقی به قبول شده است.

اشکال: عدم متصور بودن صورت پنجم

مرحوم آقای تبریزی به صورت پنجم از صوری که صاحب کفایه مطرح کرده اند، اشکال کرده اند به این بیان که تعدد مطلوب و در نتیجه تأکیدی که در صورت مطرح شده است در موارد عموم و خصوص من وجه متصور می باشد که در موارد اجتماع عام و خاص و با توجه به تعدد مطلوبیت ملاک عام و خاص در ماده اجتماع حکم، تأکید پیدا می کند مانند حکم به وجوب اکرام عالم و حکم به وجوب اکرام متقی که در ماده اجتماع یعنی عالم متقی حکم تأکید پیدا می کند اما این تعدد مطلوب و تأکید در موارد عموم و خصوص مطلق که مفروض دو حکم مستقل است مانند حکم به وجوب نماز و قید وقت برای ادای نماز متصور نیست و نمی توان گفت در وقت خاص که ماده اجتماع است حکم مؤکد می باشد برای اینکه وقت و زمان دارای هویت مستقل و مصلحت مستقل نمی باشد لذا صورت پنجم که از موارد عموم و خصوص مطلق است، معقول نیست به خلاف مواردی که عموم و خصوص من وجه می باشند.

رد اشکال: صحت عرفی تصور صورت پنجم

هر چند اشکال آقای تبریزی به صورت پنجم از این جهت که معقول نیست که قائل به این شد که دو حکم مستقل به نحو عموم و خصوص مطلق وجود دارد که در ماده اجتماع مطلق و قید حکم مؤکد است و در غیر ماده اجتماع هر کدام ملاک و مصلحت مستقل دارد، صحیح به نظر می رسد اما بعید به نظر می رسد که آنچه صاحب کفایه می فرمایند این باشد که دو حکم مستقل وجود دارد که در ماده اجتماع حکم مؤکد است و اگر یکی منتفی شد دیگری باقی است بلکه آنچه صاحب کفایه می فرمایند و به لحاظ عرفی هم صحیح است این است که حکم به همراه قید آن مانند نماز و وقت آن مورد تأکید شدید شارع می باشد اما اگر آن قید منتفی شد این گونه نیست که مصلحت فعل در حد وجوب، از بین برود و فوت شود بلکه مصلحت ملزمه فعل همچنان باقی است پس صورت پنجم به لحاظ ثبوتی معقول می باشد. البته به لحاظ



اثباتی این صورت نیاز به قرینه دارد چون علی القاعده وقتی قید دلیلی را مقید می‌کند مطلوب واحد وجود دارد و مراد می‌باشد و اگر بخواهیم تعدد مطلوب را اثبات کنیم نیاز به قرینه می‌باشد.

معقول بودن صورت چهارم

علاوه بر صورت پنجم صورت چهارم هم معقول می‌باشد به این صورت که ابتدا به واسطه دلیلی مطلق حکمی ثابت شود و این حکم اطلاق داشته باشد و سپس دلیل منفصل غیر مطلق بیاید به این صورت که مثلاً بگویید نماز صبح مقید به زمان خاص است اما این تقیید برای کسانی است که اهل عمل به تکلیف نیستند اما اشخاصی که معذور می‌باشد این حکم مقید نمی‌باشد و مطلق است و قضا نیاز به امر جدید ندارد.

صورت چهارم و پنجم هرچند به لحاظ ثبوتی معقول هستند اما یا مصداق ندارد و یا اینکه بسیار نادر می‌باشند و همان سه صورت اول باقی می‌ماند که حکم آن صور این بود که قضا نیاز به امر جدید دارد.